

مفصل شرح مطول

تألیف

ابومعین حمیدالدین حجت هاشمی احماسانی
مدرس علوم عرب و فنون ادب

انتشارات حادق

حدیث زلف سیاه تو بس مطول بود سخن به وصف دهان تو مختصر کردیم

مسطول سر زلف جنانان بود ولی مختصر خواندن آسان بود

تلفن ۷۷۴۲۸۳۶، نمابر ۷۷۴۱۲۱۶ - تلفن همراه ۰۹۱۲۱۵۱۹۰۷۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حمد شایان، و ستایش بی پایان، بر معبود بدیع را سزااست، و شکر بی بدایت و مدح بی نهایت بر محمود علیمی را رواست که بنی آدم را از جمله آفرینش برگزیده ساخت، و جان روانش را به حلیه دین و دانش متحلی گردانید و ملامت و سر و سلام مکرر بر افصح عرب و عجم و سر سلسله بنی آدم حضرت خاتم النبیین محمد بن عبد الله صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم و بر آل او که امراء کلام و علماء امانند و سائقان به علم و تقی و قائدان راه هدایت تا زمین و سماست و تا خلاء و ملاست و بعد گوید راقم حروف ابومعین حمیدالدین علی بن الحسین الموسوی المشتهر بالحجة الهاشمی الخراسانی و فقه الله لهما یحب و یرضی، و جعل جنة لقاء ولیه عَلَیْهِ مَاوَاه چونکه از شرح فن اول و دوم فارغ گشتم به شرح فن سوم پرداختم.

بدان که بدیع بر وزن فعیل مشتق از بدع به معنی امر تازه و نو باشد و در اصطلاح عبارت است از علمی که اقسام آرایش دادن کلام و زینت بخشیدن به سخن به آن شناخته میشود پس از رعایت مقتضای حال و وضوح دلالت کلام بر مرام و لفظ بدیع نیز به معنی مبدع به صیغه اسم فاعل آمده مانند قول خدا (الله بدیع السموات والارض) و به معنی اسم مفعول نیز رسیده است و در نقل این لفظ به معنای اصطلاحی که از کدام یک از

دو معنی می باشد اختلاف است و واضع این فن عبدالله بن معتمر عباسی^۱ بوده و در کتاب خود گفته کسی پیش از من فنون بدیع را جمع آوری ننموده و مؤلفی مرا در تألیف بدیع سبقت نگرفته و او را در سنه ۲۷۴ تألیف کردم و هر کس خواهد پیروی ما کند و به این مقدار اکتفاء نماید مجاز است و اگر خواهد بر این محاسن بیفزاید و رأیی جز رأی ما اخذ کند مختار باشد، و آنچه وی از انواع بدیع جمع آوری نموده هفده نوع است: و قدامة بن جعفر کاتب که معاصر با عبدالله و ضرب المثل در بلاغت بوده بیست نوع از انواع بدیع را تألیف نمود و با یکدیگر در هفت نوع توافق نمودند: و سیزده نوع از آنها مخصوص قدامة: و ده نوع از آن خاص عبدالله بود و مجموع سی محسن گشت و چون جاز شمرند پیروی از خود را چنانچه سکاکی پس از شمردن عده از محسنات گفته:

(و لَکَ اَنْ تَسْتَخْرِجَ مَا شِئْتَ وَ تُلَقِّبَ کُلَّ مِّنْ ذَلِکَ بِمَا اُحِبَّیْتَ) علماء بر عده آنها افزودند و هر یک را به اسم خاصی نام گذاردند مانند ابوهلال عسگری و ابن رشیق قیروانی و ابن ابی الاسود و عزالدین موصلی و ابن حجة حموی و جز اینها از ارباب بدیع و جمعی محسنات را به نظم آوردند در مدح رسول مانند ابن جماعت و جز اینها و ابن حجة عده آنها را به ۱۴۱ نوع رسانید، و صفی الدین حلی ۱۴۵ قسم ذکر نموده و سید علیخان مدنی در انوار الربیع ۱۴۷ نوع به نظم آورده و شمس العلماء گرگانی کتابی به نام ابداع البدائع در این فن تألیف کرده و عده آنها را به ۲۳۰ قسم رسانده و بر صاحب ذوق سلیم و فهم مستقیم پوشیده نیست که شماره کردن بسیاری از آنها در عداد محسنات از ذوق دور است و مجموع آنچه مصنف از محسنات در این فن ذکر نموده چنانچه شارح گفته ۳۶ نوع باشد که ۲۹ قسم آن محسنات معنویه و هفت قسم آن محسنات لفظیه باشد و پاره ای از محسنات را که دیگران قسم جدا گانه دانسته اند در ضمن بعضی گنجانده مانند تدبیج و مقابله و تشابه الاطراف و جز اینها بنابراین عده آنها زیاده تر شود و پاره دیگر را در فن اول ذکر نموده مانند ایغال و احتراس و جز اینها و پاره دیگر را در فن دوم یاد کرده مانند تملیح و تشبیه و کنایه و جز اینها و گویا مصنف اینها را داخل در بلاغت شمرده و

۱ - در عمده ج ۱ گوید اول کسی که بدیع آورده بشار بن بر دواین هر مه بوده بعد پیروی کرده آنها را کلثوم بن عمر و العتابی و منصور النمری و مسلم بن ولید و ابونواس و اینها را پیروی نموده ابوتمام و بحتری بعد نوبت به ابن معتمر رسید پس بدیع به او منتهی شد و به وی ختم گشت منه.

دیگران از توابع دانسته‌اند و وجهش آن است که این محسنات را دو وجه باشد از حیث آن که به واسطه آنها مطابقت کلام با مقتضای حال حاصل شود در بلاغت داخل باشند و از حیث آن که به آنها آرایش کلام و زینت لفظ فراهم آید از توابع بلاغت و در علم بدیع داخل باشند.

ولکل وجهه هُوَ مؤلفها: و ما در این کتاب آنچه مصنف و شارح از او اسم برده‌اند شرح دهیم و اگر کسی تمام اقسام بدیع را با امثله بسیار از تازی و پارسی خواهد باید به کتب مبسوطه چون انوار الربیع و ابدع البدائع و جز اینها مراجعه کند و خصوصیات این کتاب چند امر است:

اول: خلاصه نمودن مراد هر یک از مصنف و شارح را به پارسی شیوا و بیان زیبا به درجه که اجمال و ابهام در آن نباشد و هر کس به مراد و مقصود پی برد با ذکر نمودن رؤس عبارات مطالب تا تمیز کامل حاصل شود.

دوم: آوردن امثله لطیفه و شعرها شریفه از تازی و پارسی علاوه بر آنچه مصنف و شارح ذکر کرده‌اند با رعایت اختصار.

سوم: ذکر کردن مواعظ و نصائح و آوردن کلمات و اشعار که طریقه سلوک راه دین را متضمن باشند بر حسب مناسبات مقام و مقتضای کتاب و کلام به طریق اختصار تا هر متعلم را سود دهد و هر خردمند را نتیجه بخشد اگر چه وضع این کتاب بر این نیست.

چهارم: ترجمه مختصر اسامی رجالی که در این فن نام برده شده از علماء و شعراء و سلاطین و جز اینها مگر آنچه که مشهور بوده و بالجمله اگر با دیده انصاف نظر شود کتاب ما سخت نیکو باشد و دارای فوائد بسیار، و عوائد بشمار مراهل کمال و فضل را باشد و تقدیم طبع این فن بر دو فن دیگر از آن است که چون بیشتر طلاب از تعلیم و تعلم این فن اعراض دارند، و گویند چون واضح و روشن است نیاز به تعلیم نباشد با آن که حقیقت بر خلاف این است ما این فن را به این گونه تقدیم آنها نمودیم تا لااقل اگر اصل را نخوانند این کتاب را بخوانند تا اندکی از صنائع و بدائع آگهی یابند، و به لطائف و عبارات حیرت انگیز قرآن پی برند و اگر توفیق مدد کند دو فن دیگر را که شرح کرده‌ایم طبع کنیم و اهل فضل و دانش اگر در مقامی طغیان قلمی یا زلت قدمی مشاهده کنند با دیده اغماض بنگرند و به یاد آرند که: (الانسان محل السهو والنسیان).

و بدانند آن کتابی که خالی از نقص و عیب است جز کتب آسمانی و کلام ائمه دین

نباشد از آن که خود آنها عاری از عیب و عوارند و دیگران چون از عیب و نقص منزّه نیستند کتب آنها نیز خالی از نقص و عیب نیست نهایت بر حسب تفاوت اشخاص فرق کند و مقصود ما از انتشار این کتاب جز حمایت از حریم ولایت در ضمن گفتار و ترویج فضل و دانش و باقی ماندن اسمی در صفحه روزگار چیز دیگر نیست و خدا داند که هیچ غرض خودنمایی نداریم بلکه محض رضای الهی و تقرب به اوست که اگر غرض جز رضای او باشد گویم چنانچه حکیم ناصر گفته :

گر جز رضای تست غرض مر مرا ز عمر بر چیزها مده بدو عالم ظفر مرا
و هر کس گمان سوء کند استغفار نماید که (إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ) و گمان بد بردن چنان
است که متبنی گفته :

اِذَا سَاءَ فِعْلُ الْمَرْءِ سَاءَتْ ظُنُونُهُ وَ صَدَقَ مَا يَعْتَادُهُ مِنْ تَوَهُّمٍ

www.ketab.ir